

Assessment of The Pakistani Government's International Responsibility for Terrorist Acts on the Iranian Border

Yaser Amino Roaya

ABSTRACT

One of the important issues in the border relations between Iran and Pakistan has been the influence of terrorist groups within Iran's borders and numerous terrorist acts and insecurities that these groups have had. Given the international responsibility of the Pakistani government for these insecurities in the border areas of Iran and Pakistan, the aim of this study is to assess the international responsibility of the Pakistani government for terrorist acts on the Iranian border in accordance with international law, regulations and procedures. The research method is descriptive-analytical; and library resources, documents, and valid international jurisprudence have used to gather information. The findings show that it is difficult to attribute the international responsibility of the Pakistani government to "directing" and "supporting" terrorists, as it is difficult for the Pakistani government to achieve "effective control" over terrorist groups. On the other hand, if it is established that the Pakistani government was aware of the terrorist attacks on the Iranian border, it was also able to prevent the attack, but it neglects to do so and has failed to warn Iran to prevent terrorist acts. It can be concluded that the Pakistani government has taken responsibility for the activities of terrorist groups because it violates international obligations, as well as UN Security Council resolutions on the duty of governments to consciously prevent anyone to use their territory in a way that would jeopardize the rights and security of other countries has been violated.

KeyWords: Border ,Iran, Pakistan, International Responsibility.

ارزیابی مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان در قبال اقدامات تروریستی در مرز ایران

یاسر امین الرعایا^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم در روابط مرزی ایران و پاکستان، نفوذ گروه‌های تروریستی به داخل مرزهای ایران و اقدامات تروریستی و ناامنی‌های متعدد این گروه‌ها می‌باشد. با توجه به اهمیت احراز مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان در قبال این ناامنی‌ها در مناطق مرزی ایران و پاکستان، هدف این پژوهش ارزیابی مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان در قبال اقدامات تروریستی در مرز ایران با توجه به قوانین، مقررات و رویه بین‌المللی می‌باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و رویه‌های قضایی معتبر بین‌المللی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امکان انتساب مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان به جهت «هدایت» و «پشتیبانی» از تروریست‌ها بسیار سخت می‌باشد؛ چراکه احراز شاخصه «کنترل مؤثر» دولت پاکستان بر اعمال گروه‌های تروریستی از موضوعات دشوار است. از سوی دیگر در صورتی که محرز گردد دولت پاکستان از حملات تروریستی در مرز ایران آگاه بوده و قادر به جلوگیری از حمله بوده است، لکن از انجام این کار غفلت کرده و نیز از هشدار دادن به ایران جهت پیشگیری از عمل تروریستی قصور ورزیده است، می‌توانیم نتیجه بگیریم دولت پاکستان مسئولیت فعالیت‌های گروه‌های تروریستی را برعهده گرفته است؛ چراکه این کشور در این صورت تعهدات بین‌المللی و همچنین مصوبات شورای امنیت سازمان ملل در خصوص وظیفه دولت‌ها مبنی بر اینکه به‌طور آگاهانه اجازه ندهند تا از قلمروشان به‌گونه‌ای استفاده شود که حقوق و امنیت سایر کشورها به‌خطر افتد نقض نموده است.

کلید واژه‌ها

مرز؛ ایران؛ پاکستان؛ مسئولیت بین‌المللی.

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران Aminroaya.yaser@yahoo.com

مقدمه

کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمار کشورهای است که همسایگان متعددی دارد. عوامل مختلف داخلی و نابسامانی سیاسی و اقتصادی در کشورهای همسایه، مشکلات زیادی را در راستای کنترل و مدیریت مرزهای ایران ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که برخی از این مرزها، مرزهای بحران‌زایی هستند. این موضوع در مرزهای شرقی و به‌ویژه مرزهای ایران و پاکستان نمود بیشتری یافته است به طوری که به‌رغم تلاش‌های انجام‌شده توسط نهادهای ذی‌ربط، هم‌چنان این مرز ناامنی‌های امنیتی دارد (پیشگاهی‌فرد و میرزاده کوهشانی، ۱۳۹۳: ۶۱). در این میان، عدم اراده واقعی دولت پاکستان در ممانعت از تردد گروه‌های تروریستی یا اهمال، قصور و با هر دلیل دیگری، موجب گردید که مرزها و سرزمین آن کشور به‌عنوان مکان امنی جهت ارتکاب اعمال ضدامنیتی گروه‌های تروریستی تبدیل گردد. آنچه در این بین اهمیت بسزایی دارد، نوع مسئولیت‌پذیری دولت پاکستان به‌عنوان دولت میزبان^۱ گروه‌های تروریستی می‌باشد؛ بدین معنا که به‌موجب شاخصه‌های بین‌المللی، دولت پاکستان به‌عنوان یک دولت ناتوان^۲ محسوب نمی‌گردد^۳؛ لذا به استناد اصول برابری، حاکمیت و استقلال دولت‌ها، اولاً در حقوق بین‌الملل دولت محجور و فارغ از مسئولیت بین‌المللی اساساً وجود ندارد و هر دولتی مانند پاکستان به‌صرف داشتن حاکمیت، مسئولیت بین‌المللی در قبال اعمال متخلفانه صورت‌گرفته دارد و ثانیاً به‌موجب این اصول بیان‌شده، تمامی دولت‌ها حقوق و تعهداتی دارند من‌جمله تعهداتی در زمینه مبارزه با تروریسم و نیز جلوگیری از انجام اقدامات تروریستی علیه کشورهای همسایه از خاک خود. البته باید توجه داشت که به‌موجب قواعد بین‌المللی، انتساب این اعمال تروریستی در مرز به دولت پاکستان پیچیدگی‌های خاص خود را دارد؛ چراکه به‌موجب یک قاعده کلی، دولت‌ها مسئول اقدامات صورت‌گرفته از

1. Host state

2. Failed state

۳. در خصوص مفهوم دولت ناتوان تعریف واحدی وجود ندارد؛ لذا برخی از حقوق‌دانان به‌جای تلاش برای ارائه تعریف دقیق و جامع،^۳ ویژگی بنیادین برای این مفهوم بیان نموده‌اند: (۱) عدم وجود کنترل مؤثر از ناحیه دولت که موجب می‌گردد دولت ناتوان، به‌لحاظ عملی توانایی خود را برای اعمال صلاحیت‌های حاکمیتی خود از دست بدهد؛ (۲) همچنین از نقطه‌نظر سیاسی - حقوقی، در دولت‌های ناتوان در سطح بین‌المللی به‌دلیل ازین رفتن نهادهای باصلاحیت خود، عملاً روابط بین‌المللی به حالت تعلیق درمی‌آید و (۳) از نقطه‌نظر اجتماعی که در دولت‌های ناتوان، بی‌نظمی و بی‌قانونی محور اصلی آشفتگی‌های اجتماعی است و این بی‌نظمی و بی‌قانونی، دولت را در معرض تجربه و انشعاب قرار می‌دهد (Thürer, 2010: 731-761).

ناحیه بازیگران غیردولتی^۱ مانند گروه‌های تروریستی جیش العدل و ... نمی‌باشند، مگر در صورت اثبات شرایطی که در قوانین و مقررات و رویه بین‌المللی موجود است. مقاله حاضر با مدنظر قراردادن اقدامات تروریستی صورت گرفته در مرز ایران از یک‌سو و نیز با در نظر گرفتن شرایط خاص حاکم بر حقوق بین‌الملل جهت انتساب یک عمل تروریستی از ناحیه بازیگران غیردولتی به دولت، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان اقدامات صورت گرفته از ناحیه تروریست‌ها در مرز ایران و پاکستان را به دولت پاکستان منسوب نمود؟ هم‌چنین این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که به موجب قوانین، مقررات و آرای محاکم قضایی بین‌المللی و منطقه‌ای، چه تعهداتی بر دولت پاکستان در خصوص ممانعت از تردد تروریست‌ها و نیز جلوگیری از پناهنده شدن آن‌ها در خاک آن کشور وجود دارد؟

روش پژوهش

نوشتار پیش‌رو از نوع توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و نیز استناد به کنوانسیون‌های بین‌المللی، آرای مراجع قضایی و داوری‌های بین‌المللی، سعی نموده ضمن بررسی قواعد حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و هم‌چنین اقدامات تروریستی صورت گرفته در مرز مشترک ایران و پاکستان، به طور مستدل مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان را در قبال اهمال، کنترل و احیاناً هدایت تروریست‌ها در مرز مشترک با ایران اثبات نماید. البته به جهت آنکه برای استناد به مسئولیت یک دولت باید نقض یک تعهد بین‌المللی و انتساب آن به یک دولت اثبات گردد، در ابتدا تعهدات بین‌المللی دولت‌ها از جمله دولت پاکستان را در کنترل مرزها به موجب قطع‌نامه‌های شورای امنیت و نیز تعهدات آن‌ها در حفاظت از منافع سایر کشورها، به‌طور مفصل تحلیل و بررسی کرده و در ادامه، با توجه به اصول بین‌الملل، شرایط انتساب عمل تروریست‌ها در مرز به دولت پاکستان مورد بررسی قرار گرفته شده است.

1. Non-State Actor

مبانی نظری

الف) اهم اقدامات تروریستی در مرز مشترک ایران و پاکستان

یکی از موضوعاتی که همواره در روابط مرزی ایران و پاکستان اهمیت ویژه‌ای دارد، نفوذ گروه‌های تروریستی به داخل مرزهای ایران و ناامنی‌های متعددی است که در سال‌های اخیر این گروه‌ها در نقاط مرزی ایران ایجاد کرده‌اند^۱. البته هرچند در این منطقه مرزی قاچاق مواد مخدر، انسان و اسلحه و هم‌چنین تردد غیرقانونی، تبلیغ و ترویج سلفی‌گری^۲، قاچاق سوخت و کالا گسترش داشته است؛ لکن مهم‌ترین خطری که تأمین امنیت را در این منطقه تهدید می‌نماید، هجوم گروه‌های تروریستی از سمت مرزهای غربی پاکستان به سوی مرزهای شرقی ایران می‌باشد تا جایی که در این منطقه مرزی، حمله به مراکز نظامی و انتظامی ایران، ربایش مرزبانان و انجام عملیات انتحاری از سوی این گروه‌های تروریستی به جهت عدم نظارت دولت پاکستان نسبت به مناطق دیگر مرزی سیر صعودی داشته و هزینه‌های امنیتی و جانی غیرقابل جبرانی را به همراه دارد. آنچه درخصوص تمام این گروه‌ها قابل ذکر است، توجه به این موضوع است که این گروه‌ها، مناطق مرزی بدون کنترل پاکستان را محل امنی برای آموزش، مخفی شدن، نگه‌داری گروگان‌ها و سایر اعمال مخاطره‌آمیز خود قرار می‌دهند، به طوری که در صورت کنترل مؤثر این مناطق، ما شاهد این اقدامات ضدامنیتی نخواهیم بود. به‌عنوان مثال در دهه ۸۰ اولین و مهم‌ترین گروه‌های تروریستی که در شرق کشور فعالیت‌های تروریستی آن‌ها باعث ایجاد رعب و وحشت و ناامنی گردید، گروهک تروریستی جندالله به سرکردگی عبدالمالک ریگی بوده است. این گروه که از سوی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک گروه تروریستی شناخته شده بود، در مدت فعالیت خود مرتکب اقداماتی نظیر قاچاق مواد مخدر، آدم‌ربایی و کشتار نظامیان ایرانی به‌ویژه اعضای سپاه پاسداران و حتی کشتار غیرنظامیان می‌شدند. هم‌چنین حسب اطلاعات موجود، محل آموزش نیروهای این

۱. جمهوری اسلامی ایران ۹۲۴/۸ کیلومتر مرز مشترک با پاکستان دارد که ۶۱۳/۴ کیلومتر آن مرز خشکی و ۳۱۱/۴ کیلومتر مرز آبی است (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشانی، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲. این پدیده بیشتر ریشه منطقه‌ای دارد و سه کشور عربستان، پاکستان و امارات، بزرگ‌ترین حامیان مالی و فکری این جریان می‌باشند و مناطق شرق کشور نیز با توجه به بافت قومی، مذهبی و جغرافیایی، ظرفیت بالایی در این زمینه دارند (اسدی فرد، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱).

گروهک در پاکستان بوده است.^۱ پس از دستگیری و اعدام عبدالمالک، به جهت اقدامات ضعیف پاکستان در حفاظت از مرز مشترک با ایران، گروهک‌های تروریستی متعددی در این مناطق مرزی تشکیل شدند که اصلی‌ترین آن عبارتند از: گروه‌های جیش العدل، جیش الفتاح، جیش الحسین، حرکت انصار ایران و سپاه صحابه ایران. این گروه‌ها در مناطق مرزی کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان، به‌ویژه ایالات بلوچستان پاکستان حضور دارند و به ناامنی در مناطق مرزی شرق کشور، می‌پردازند (منتظران، ۱۳۹۷). این گروهک‌های تروریستی بالأخص جیش العدل تاکنون در چندین مورد عملیات تروریستی در نقاط مرزی اقدام به ربایش مرزبانان ایرانی و انتقال آن‌ها به خاک پاکستان و نیز چندین حمله انتحاری نموده‌اند.^۲ با دقت در اقدامات تروریستی صورت‌گرفته مشخص می‌گردد مسئولین نظامی و سیاسی^۳ جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت این اقدامات را متوجه دولت پاکستان دانسته و دولت پاکستان را به دلیل عدم نظارت بر مرزهای خود و نیز پناه‌دادن و عدم پیگرد اعضای این گروهک‌های تروریستی موردانتقاد قرار داده‌اند.^۴

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به خبرگزاری مهر، ۴ اسفند ۱۳۸۸

<https://www.mehrnnews.com/news/1039605/>

۲. به‌عنوان مثال در تاریخ ۱۸ بهمن ۹۲، پنج سرباز دیده‌بان کشورمان در مرز جکیگور سیستان و بلوچستان مفقود شدند. هم‌چنین در مورد دیگری، در تاریخ ۹۷/۷/۲۳ تعدادی از بسیجیان بومی و نیروهای هنگ مرزی که در پایگاه مراقبتی در نقطه صفر مرزی (میرجاوه) مستقر بودند، گروگان گرفته شدند که در هر دو مورد اقدام تروریستی، گروهک جیش العدل مسئولیت آن‌را پذیرفته است. از دیگر جنایات این گروهک حادثه تروریستی جاده خاش - زاهدان است که منجر به شهادت ۲۷ نفر از سپاهیان مرزبان گردید. جهت مطالعه بیشتر درخصوص اقدامات تروریستی گروهک جیش العدل رجوع شود به خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۴ اسفند <https://www.irna.ir/news/83219268/۱۳۹۷>

۳. وزارت امور خارجه به‌دلیل ناامنی‌های مرزی مشترک با پاکستان، بارها سفیر پاکستان را احضار نموده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۵ به‌دلیل ناامنی‌های گروهک ریگی، در سال ۱۳۸۶ در پی حادثه نقطه مرزی میرجاوه و در سال ۱۳۹۷ در پی حادثه تروریستی ۲۴ بهمن ماه در جاده خاش - زاهدان. رجوع کنید به خبرگزاری ایران پرس، <https://farsi.iranpress.com/iran-i>

۴. به‌عنوان مثال مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در مصاحبه مورخ ۹۷/۷/۲۷ بیان داشت: «... با اشاره به‌ضرورت پاسخ‌گویی دولت پاکستان و سازمان اطلاعاتی ISI به دولت، ملت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران گفت: این اشرار جنایتکار اهل یکی از طوایف بلوچستان بودند که در کشور همسایه آموزش عملیات انتحاری دیده بودند و کشور همسایه و سازمان اطلاعات ISI، بایستی پاسخگویی دولت و ملت ایران و سپاه پاسداران باشد که چگونه آن‌ها از مرز این کشور عبور کردند و چرا این کشور هم‌جوار، مأمون و محل آموزش و اعزام این گروهک‌های تروریست کافر شده است. ...» یا روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در بیانیه ۹۷/۷/۲۴ خود در انتقاد به کم‌کاری دولت پاکستان در حفاظت از مرزهای خود بیان می‌دارد: «... از دولت پاکستان نیز انتظار می‌رود با اشرار و تروریست‌هایی که در جوار مرزهای آنان لانه کرده و از سوی برخی کشورهای مرتجع شرور و تروریست‌پرور منطقه حمایت و به‌کارگیری می‌شوند، برخورد جدی

ب) ماهیت اقدامات گروه‌های معاند

اهمیت پی‌بردن به ماهیت اقدامات گروه‌های معاند در مرز ایران بدین جهت است که به‌موجب قواعد و قوانین بین‌المللی، در صورتی که این اقدامات، اعمال تروریستی باشد، دولت پاکستان متعهد به انجام تعهدات بین‌المللی در زمینه مبارزه با تروریسم می‌باشد. منظور از تروریسم معمولاً اعمال خشونت‌آمیزی است که برای دست‌یابی به اهداف سیاسی یا عقیدتی، غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد. (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008, p.5)

در این خصوص گفتنی است با نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم^۱ محرز می‌گردد که مفهوم تروریسم در این کنوانسیون‌ها بعضاً معانی متفاوت دارد؛ لذا با توجه به قواعد حقوق بشردوستانه، اعمال تروریستی را می‌توان بدین‌گونه تعریف نمود: «اقدامات بی‌هدفی که علیه شهروندان غیرنظامی و اشخاص و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی بدون در نظر گرفتن، نژاد، فرهنگ، ملیت یا تعلقات اجتماعی و مذهبی صورت می‌گیرند» (سواری، ۱۳۳۹: ۸۲). جدای از تعریف مورد اشاره، شورای امنیت در قطع‌نامه ۱۵۶۶ سال ۲۰۰۴، مفهوم تروریسم را این‌چنین تعریف نموده است: «اقدامات جنایی علیه غیرنظامیان، با انگیزه کشتن یا جراحات جدی جسمی یا گروگان‌گیری با هدف ایجاد رعب و وحشت در عموم مردم یا گروهی از افراد یا اشخاص خاص یا به هدف ایجاد ارباب در یک جمعیت یا وادار کردن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از یک عمل» (United Nations Security Council, S/RES/1566, 2004: para. 3). جدای از تعاریف مذکور، کمیته حقوق بین‌الملل هم در تعریف تروریسم بیان می‌دارد «تروریست شامل همه فعالیت‌های جنایت‌کارانه می‌شود که علیه دولت ویژه انجام و هدف آن ایجاد رعب و وحشت بین دولت یا هر ارگانی از ارگان‌های آن دولت یا گروه‌های خاصی از آن است» (توسلی نائینی و محسن‌پور، ۱۳۹۳: ۳). از تعاریف مذکور می‌توان سه شاخصه مهم برای اقدام تروریستی بیان نمود: (۱) ارتکاب یک عمل مجرمانه از قبیل قتل عمد، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری و ... ؛ (۲) قصد ایجاد رعب و

داشته و به‌سرعت نسبت به آزادی و تحویل مرزبانان اقدام کند.» خبرگزاری تسنیم، ۲۷ بهمن ۱۳۹۷ <https://www.tasnimnews.com/fa/news>

۱. کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری (هفدهم دسامبر ۱۹۷۹)، کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۷ اکتبر

۱۹۹۹) و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (دسامبر ۲۰۰۰).

وحشت در میان مردم و ۳) عمل ارتكابی دربردارنده یک عنصر فراملی باشد^۱. به‌واقع هرچند در ابتدا کنوانسیون‌های بین‌المللی عمل تروریستی را تنها معطوف به افراد غیرنظامی می‌نمودند، لکن در حال حاضر این کنوانسیون‌ها درخصوص پرسنل نظامی و مکان‌های نظامی نیز تسری یافته است (Donnel, 2006: 879). بر اساس تعاریف و شاخصه‌های بیان‌شده می‌توان استدلال نمود که اقدامات صورت‌گرفته از ناحیه گروه‌های معاند در مرز مشترک ایران و پاکستان مصداق تروریسم به‌معنای حقوق بین‌المللی آن می‌باشد.

ج) شورای امنیت سازمان ملل و تعهد دولت‌ها درخصوص کنترل مرزها

یکی از اعمالی که می‌تواند جهت تقویت گروه‌های تروریستی تأثیر بسزایی داشته باشد، تردد آزادانه از مرزهای کشورها است؛ لذا بدیهی است شورای امنیت سازمان ملل در قطع‌نامه‌های بسیاری، تعهداتی را برای کشورها جهت کنترل مرزها و برخورد با این اعمال تصویب نماید^۲. با عنایت به ماده ۲۵ منشور سازمان ملل که تأکید می‌نماید «اعضای ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این منشور قبول و اجرا نمایند»، تمامی دولت‌ها و از جمله دولت پاکستان، متعهد به اجرای تصمیمات شورای امنیت در زمینه کنترل مرزها می‌باشند^۳. یکی از مهم‌ترین قطع‌نامه‌ها در زمینه تعهد کشورها در مبارزه واقعی با تروریسم بالأخص تعهد در زمینه کنترل مرزها و جلوگیری از تردد تروریست‌ها، قطع‌نامه ۱۳۷۳ شورای امنیت مصوب سال ۲۰۰۱ می‌باشد که حاوی تعهدات «الزام‌آور» برای دولت‌هاست. در این قطع‌نامه دولت‌ها به عدم حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از افراد و نهادهایی که در اعمال تروریستی دست داشتند، انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از وقوع اعمال تروریستی و فراهم‌نکردن پایگاه امن برای سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی، حمایت یا ارتكاب اعمال تروریستی متعهد شده‌اند. همچنین ممانعت از سرمایه‌گذاری،

۱. این سه عنصر ضروری در تعریف اعمال تروریستی مورد تأکید شعبه پژوهشی دادگاه ویژه لبنان در سال ۲۰۰۷ قرار گرفته است (توسلی نائینی و محسن پور، ۹۳: ۴-۵).

۲. به‌عنوان مثال قطع‌نامه ۱۵۶۶ از همه کشورها می‌خواهد از انجام اقدامات تروریستی جلوگیری کنند و هم‌چنین اطمینان حاصل کنند که چنین اعمالی، با مجازات‌های متناسب با ماهیت سنگین خود مجازات می‌شوند.

۳. هدف ماده ۲۵ منشور عبارت است از به‌اجرا گذاشتن تعهدات دولت‌های عضو در «سپردن مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت» با توافق به اینکه «شورای امنیت به‌نام آن‌ها عمل کند». این امر در نخستین وهله ایجاب می‌کند دولت‌ها در پذیرش کلیه تصمیمات شورا ناگزیر باشند. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به سوی، ۱۳۷۵: ۶۳-۶۶.

طراحی، تسهیل یا ارتکاب اعمال تروریستی با استفاده از قلمرو کشورها علیه کشوری دیگر یا شهروندان آن‌ها و اطمینان از اینکه هر فردی که در سرمایه‌گذاری، طراحی، آمادگی یا ارتکاب اعمال تروریستی شرکت می‌کند یا در جهت حمایت از فعالیت‌های تروریستی کار می‌کند، مجازات می‌شود و در نهایت پیشگیری از حرکات تروریستی یا اقدامات گروه‌های تروریستی با کنترل مؤثر مرزها. (United Nations Security Council, S/RES/1373, 2001: para 2(a)-2 (g))^۱ غیر از قطع‌نامه ۱۳۷۳، قطع‌نامه ۱۶۲۴ نیز از همه کشورها می‌خواهد که اقدامات لازم را در جهت تقویت امنیت در مرزهای بین‌المللی خود انجام داده، هم‌چنین با دیگر کشورهای همسایه در این زمینه همکاری کنند (United Nations Security Council, S/RES/1624,2005,para: 2). علاوه‌بر این، در قطع‌نامه ۲۱۷۸ شورای امنیت سازمان ملل در چندین نوبت، بر کنترل مرزها توسط دولت‌ها تأکید شده است. به‌عنوان مثال در پاراگراف دوم این قطع‌نامه بیان شده که کشورها می‌بایست با کنترل مؤثر مرزها، مانع از عبور و مرور تروریست‌ها یا گروه‌های تروریستی از مرزهای خود شوند. این تعهد مجدداً در بند ۴ تأکید شده است. در بند دیگری از این قطع‌نامه تأکید شده که لازم است کشورهای عضو از ورود یا عبور از طریق سرزمین‌های خود به هر طریق ممکن جلوگیری کنند و در ادامه این قطع‌نامه، از دولت‌ها خواسته شده که با جلوگیری از عبور و مرور تروریست‌ها از مرزهای زمینی و دریایی خود، توانایی دولت‌ها را در مبارزه با تروریسم افزایش دهند؛ به‌ویژه بر کشورهایی که اکنون درگیری با تروریست‌ها می‌باشند، تأکید شده است (United Nations Security Council, S/RES/2178, 2014: paras 2,4,8,14). قطع‌نامه ۲۳۹۶ نیز در جهت خشی نمودن تهدیدات تروریست‌ها از طریق کنترل مرزها، حاوی تعهدات بسیار مهمی برای دولت‌ها است. این قطع‌نامه از کشورهای عضو می‌خواهد در مورد تروریست‌های مظنون و اعضای خانواده آن‌ها که وارد مناطق خود شده‌اند، اقدامات لازم را انجام دهند. هم‌چنین این قطع‌نامه تأکید می‌نماید که کشورها با کنترل مؤثر مرزهای ملی، از حرکت تروریست‌ها ممانعت به‌عمل آورند (United Nations Security Council, S/RES/2396,2017:p3 –para2). با نگاهی به قطع‌نامه‌های مذکور، محرز می‌گردد که

۱. به‌طور خلاصه تعهدات دولت‌ها در قطع‌نامه ۱۳۷۳ را می‌توان به ۴ بخش زیر تقسیم نمود: (۱) جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم؛ (۲) الزام دولت‌ها به همکاری و معاضدت با یکدیگر؛ (۳) مقابله با تأمین مالی تروریسم و (۴) عدم پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم. جهت مطالعه بیشتر در خصوص قطع‌نامه ۱۳۷۳ رجوع شود به زرنشان، ۱۳۸۶: ۵۷-۹۴.

نه تنها جلوگیری از تردد تروریست‌ها مورد تأکید شورای امنیت واقع شده؛ بلکه این نهاد بین‌المللی برای تقویت امنیت مرزهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از تردد تروریست‌ها، اقداماتی مانند مصادره گذرنامه، استفاده مؤثرتر از بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های بین‌المللی مانند ایت‌ریپل^۱ را توصیه می‌نماید. هم‌چنین شورای امنیت برای تقویت بیشتر مرزها، مکانیسم «ارسال پیشاپیش اطلاعات مسافران»^۲ را مورد تأکید قرارداد. در ساده‌ترین شکل، مکانیسم «ارسال پیشاپیش اطلاعات مسافران»، یک سیستم ارتباطی الکترونیکی است که داده‌های مسافران، بیوگرافی و جزئیات اولیه پرواز را از شرکت‌های هواپیمایی جمع می‌کند و داده‌ها را قبل از رسیدن پرواز به مقامات امنیتی مرزی در کشور مقصد منتقل می‌کند. این امر به مقامات امنیتی مرزی فرصت بیشتری می‌دهد تا چک‌های کافی از همه مسافران داخل را در برابر تحریم‌های مربوطه انجام دهند (Zureik, Salter, 2005:129-130). هم‌چنین در زمینه کنترل مؤثرتر مرزها، کمیته مبارزه با تروریسم^۳، در جلسه‌ای که در سال ۲۰۱۵ در مادرید برگزار شد، از کشورها خواست که اصول استراتژی‌های «مدیریت هماهنگ مرزی»^۴ را جهت تقویت اثربخشی امنیت مرزها اعمال نمایند (Border management, Security Council Counter-Terrorism Committee (CTC):2). این استراتژی، هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌ها را بین سازمان‌های مرزی کشورها با هدف برطرف‌نمودن نگرانی‌های امنیتی آن‌ها فراهم می‌کند.

د) قواعد بین‌المللی و تعهد به حفاظت از منافع سایر کشورها

به موجب قواعد بین‌المللی یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر کشورها، اصل احترام به حاکمیت سرزمینی^۵ می‌باشد. البته باید در نظر داشت که احترام به حاکمیت سرزمینی دولت‌ها از یک‌سواز حاکمیت ایشان حمایت می‌کند و از سوی دیگر، تعهداتی را نیز برای آن‌ها ایجاد می‌نماید که مهم‌ترین آن همانا حفاظت از حقوق سرزمینی سایر کشورهای می‌باشد (Heinegg, 2012:8). این مهم، مورد تأکید قاضی آلواریز در نظریه جداگانه خود در قضیه کانال کورفو و نیز قاضی ماکس

1. INTERPOL
2. Advance passenger information (API)
3. Counter-Terrorism Committee (CTC)
4. Coordinated border management (CBM) strategies
5. principle of territorial sovereignty

هوبر در داوری پالماس (Island of Palmas Case, 1928: 838) قرار گرفته است که حاکمیت، علاوه بر اینکه حقوقی را به دولت‌ها اعطا می‌کند، تعهداتی را نیز برای ایشان ایجاد می‌نماید. به عبارتی، اصل حاکمیت سرزمینی، دولت‌ها را متعهد می‌نماید که اجازه ندهند به‌طور آگاهانه، قلمرو آن‌ها برای اعمال خلاف حقوق سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد. (Gareth, 2013: 627). بر این اساس، طبق قواعد بین‌المللی، هر دولتی موظف است اقدامات مناسب را برای محافظت از منافع سایر دولت‌ها انجام دهد (United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, 1980, 3: para. 68). این تعهد به حفاظت، نه تنها محدود به اقدامات مجرمانه مانند اقدامات تروریستی صورت گرفته در مرز پاکستان نمی‌شود؛ بلکه این تعهد حتی معطوف به کلیه اقداماتی که می‌تواند منجر به وارد آمدن خسارت شدید یا احتمال ورود خسارت به افراد و اهداف تحت حمایت سایر دولت‌ها گردد، نیز می‌شود (Heinegg, 2012: 7-10). توجه به این مهم در قضیه Trill Smelter مورد دقت هیأت داوری قرار گرفته است. در این پرونده هیأت داوری تأکید نمود که بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو خود به‌گونه‌ای استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که باعث ایجاد آسیب به قلمرو تحت صلاحیت دولت دیگر شود (Trail case, 1941: 1963). توجه به این مهم در قضیه کانال کورفو نیز مجدداً مورد تأکید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفته است. دیوان در این پرونده عنوان می‌کند که دولت‌ها موظفند به‌طور آگاهانه به کسی اجازه ندهند تا از قلمروشان به‌گونه‌ای استفاده کند که حقوق و امنیت سایر کشورها به خطر بیفتد (Corfu Channel, 1949: 22). این موضوع در قضیه کنگو علیه اوگاندا مجدداً مورد اهتمام دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت و دیوان مدارا با اقدامات و فعالیت‌های غیرقانونی علیه دولتی دیگر را مغایر با حقوق بین‌الملل دانست و این مقرر را به‌عنوان یک تعهد حقوق بین‌الملل عرفی معرفی نمود (Congo v. Uganda, 2005: para. 268^۱). گذشته از آرای مراجع

۱. در این قضیه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و هم‌چنین توسعه نیافتگی مناطق کوهستانی و مرزی جمهوری دموکراتیک کنگو در نزدیکی اوگاندا و دوری این مناطق از پایتخت، موجب گردید این کشور کنترل چندانی بر این مناطق نداشته باشد و گروه‌های مختلف شبه‌نظامی یعنی هم گروه‌هایی که با دولت فعلی در کینشاسا می‌جنگند و هم گروه‌هایی که علیه دولت‌های کشورهای همسایه مبارزه می‌کنند، برای مدت‌زمانی طولانی از این منطقه به‌عنوان پناهگاه و مأمن استفاده کنند. اوگاندا بر این باور بود که شورشیان مخالف آن کشور با سوءاستفاده از فقدان کنترل کنگو بر مناطق مرزی خود با آن کشور، مجموعه حملات مسلحانه‌ای علیه آن کشور انجام می‌دهند (Congo v. Uganda, 2005: Para 268).

قضایی و داوری بین‌المللی، اعلامیه «روابط دوستانه» نیز دولت‌ها را ملزم داشته «از هرگونه سازمان‌دهی، تحریک، کمک یا مشارکت در اعمال آشوب داخلی یا اقدامات تروریستی در دیگر کشورها و همچنین سکوت در برابر فعالیت‌های سازمان‌یافته موجد تهدید یا توسل به زور در درون سرزمین‌های‌شان خودداری نمایند» (Declaration on Principles of International Law (concerning Friendly Relations, 1970: Annex 1).

نکته حائز اهمیت اینکه مفاد اعلامیه مذکور، منعکس‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی است. این امر در قضیه اعلامیه یک‌جانبه استقلال کوزوو مورد تأکید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت (international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo, 2010, paras: 79-84). بر این اساس چنانچه گذشت، کشور پاکستان به‌علت فقدان قوانین سخت‌گیرانه جزایی مؤثر یا عدم اجرای دقیق قوانین یا به‌دلیل در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، در اغلب موارد اقدامی جهت جلوگیری از تردد تروریست‌ها از خاک خود به‌عمل نمی‌آورد از این‌رو، این دولت تعهد خود مبنی بر محافظت از منافع سایر کشورها را نقض نموده و انفعال و بی‌تفاوتی مقامات کشور پاکستان موجب گردیده که نقاط مرزی مشترک این کشور با ایران، به پناهگاهی امن برای تروریست‌ها تبدیل گردد.

یافته‌ها

الف) احراز مسئولیت دولت پاکستان در خصوص اقدامات تروریستی در مرز

یکی از آثار حاکمیت دولت‌ها، وظایف و مسئولیت‌هایی است که ایشان به پشتوانه حاکمیت خود از آن برخوردار می‌گردند. در حوزه داخلی دولت‌ها موظف به فراهم‌نمودن حداقل استانداردهای خدمات رفاهی برای تضمین حمایت و پشتیبانی از شهروندان و همچنین فراهم‌نمودن شرایط سیاسی - امنیتی ایده‌آل می‌باشد و در حوزه خارجی یکی از مسئولیت‌های حاکمیت، پاسخ‌گویی نسبت به عمل متخلفانه‌ای است که رخ می‌دهد. این موضوع هنگام تصویب طرح پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مورد توجه کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار گرفته است،

۱. سابق بر این نیز دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه بر عرفی بودن اعلامیه روابط دوستانه تأکید نموده است. (Nicaragua v. United States of America, 1986: 101-103, paras. 191-193).

به طوری که ماده ۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۱، هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت را مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌داند^۲. البته باید توجه داشت که برای استناد به مسئولیت دولت دو چیز اثبات گردد: (۱) این امر نقض تعهد بین‌المللی دولت است و (۲) رفتار مورد نظر طبق قوانین بین‌المللی به دولت متسبب می‌شود (Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: Article 2). با توجه به مطالب بیان شده در خصوص احراز مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان، دو چیز می‌بایست مشخص گردد؛ اولاً کدام تعهد بین‌المللی را دولت پاکستان نقض نموده است و دوم اینکه آیا اقدامات صورت گرفته از سوی تروریست‌ها در مرز مشترک با ایران را می‌توان به دولت پاکستان منتسب نمود یا خیر.

بند اول) احراز نقض تعهدات بین‌المللی از سوی پاکستان:

برای احراز یک نقض تعهد بین‌المللی می‌بایست به دو نکته توجه شود؛ ابتدا اینکه برای نقض یک تعهد بین‌المللی تقصیر شرط لازم نیست، مگر اینکه صریحاً در تعهد لحاظ شود و هم‌چنین منشأ و ویژگی‌های تعهد نقض شده تأثیری در نقض آن تعهد ندارند (Brownlie, 1983: 39) و دوم اینکه در حقوق بین‌الملل، ایده نقض تعهد اغلب معادل رفتار «مغایر با حقوق معاهداتی دولت‌های دیگر»^۳ در نظر گرفته شده است (ابراهیم گل، ۱۳۸۹: ۳۳). در این خصوص دیوان دائمی دادگستری در قضیه فسفات بیان داشته «باید به دنبال نقض قانون بین‌المللی باشیم ... این عمل ... توصیف می‌شود به عنوان عمل مغایر حقوق معاهده‌ای دولت دیگر، در این صورت مسئولیت بین‌المللی بلافاصله بین دو کشور برقرار خواهد شد» (phosphates in morocco, 1938:28). با این دو معیار می‌توانیم نقض تعهد بین‌المللی دولت پاکستان در خصوص اقدامات تروریستی در مرز را احراز نماییم؛ چراکه از یک سو همان‌طور که بیان شد دولت‌ها و از جمله دولت پاکستان به موجب اعلامیه

۱. از سال ۱۹۴۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئول تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اقدامات متخلفانه بین‌المللی شد که نهایتاً بعد از پنجاه سال یعنی در سال ۲۰۰۱ به نتیجه رسید. البته هرچند این پیش‌نویس این شانس را نداشت که تبدیل به یک کنوانسیون بین‌المللی شود؛ ولی باید توجه داشت پیش‌نویس گروه حقوق بین‌الملل چنان مؤثر بود که دیوان بین‌المللی دادگستری بخشی از این مواد را در تعدادی از احکام خود مورد استفاده قرار داد و قواعد پیش‌نویس به صورت گسترده مورد استفاده دکترین قرار گرفت؛ لذا به نظر عده‌ای از حقوق‌دانان، پیش‌نویس کمیسیون بخشی از حقوق عرفی را تشکیل می‌دهد (Bokstiegel, 2006:289).

۲. این موضوع در قطع‌نامه‌های ۱۳۶۸، ۱۳۷۰، ۱۵۵۹ و ۱۷۷۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تأکید شده است.

3. contrary to the treaty right of another State

روابط دوستانه و هم‌چنین تأکید دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو و قضیه کنگو و نیز قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت، متعهد گردیده‌اند که به‌طور آگاهانه اجازه ندهند که از قلمرو تحت صلاحیت‌شان به‌گونه‌ای استفاده شود که حقوق و امنیت سایر کشورها تضییع گردد. بدین‌سان گفتنی است که ترک فعل و اهمال دولت پاکستان در محافظت از مرزهایش، حقوق ایران را نقض نموده است یا به‌عبارتی با عنایت به اینکه تروریست‌ها در قلمرو کشور پاکستان حضور دارند و از این مسیر اقدام به ارتکاب حملات تروریستی علیه قلمرو ایران می‌کنند، حتی اگر قائل شویم که کشور پاکستان قصد آسیب‌رساندن به امنیت ایران را ندارد، تعهد دولت پاکستان در جلوگیری از به‌خطر افتادن امنیت سرزمین همسایه نقض گردیده است.

بند دوم) انتساب اعمال تروریست‌ها به دولت پاکستان:

یکی دیگر از اجزای بسیار مهم در اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت پاکستان در قبال اعمال تروریستی صورت‌گرفته نسبت به مرز و سرزمین ایران، احراز ارتباط بین اعمال تروریست‌ها با دولت پاکستان می‌باشد (ابراهیم گل، ۱۳۸۹: ۸۳).

اثبات این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که در عرصه بین‌المللی یک اصل کلی وجود دارد که رفتار اشخاص یا گروه‌ها قابل انتساب به دولت نیست مگر تحت شرایطی که در مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل شرح داده شده است. لکن باید توجه داشت که اثبات این موضوع دشوار است؛ چراکه همان‌طور که دیوان دائمی بین‌المللی در قضیه آلمان و لهستان نیز تأکید نمود، «دولت‌ها ذاتاً سیاسی هستند و به همین ترتیب قادر به عمل نیستند» (German Settlers in Poland, 1923: 22). به‌واقع فقط انسان‌ها می‌توانند اقدامی انجام دهند و بنابراین لازم است اثبات کنیم که رفتار افراد هرچند تروریست به یک دولت مرتبط می‌باشد. ازسوی دیگر می‌بایست توجه داشت که در ناآرامی‌های صورت‌گرفته در مرز ایران و پاکستان، نوع ارتباط تروریست‌ها با دولت پاکستان مشخص نیست ازاین‌رو جهت بررسی کامل انتساب اعمال تروریست‌ها به دولت پاکستان لازم است برخی استانداردها و روابطی که می‌شود در ارتباط بین تروریست‌ها و دولت پاکستان وجود داشته باشد، بررسی گردد:

- (۱) استاندارد هدایت^۱: مبتنی بر این پرسش که آیا دولت پاکستان فعالیت‌های تروریستی را به‌طور جدی هدایت می‌کند؟
- (۲) پشتیبانی^۲: بدین معنا که دولت پاکستان تروریست‌ها را کنترل نمی‌کند؛ بلکه فعالیت‌های آن‌ها را تشویق می‌کند و مورد حمایت فعال قرار می‌دهد؛ مانند اینکه به آن‌ها آموزش دهد یا تجهیزات، پول و وسایل حمل و نقل و ... در اختیار آن‌ها قرار دهد.
- (۳) مدارا و تحمل^۳: بدین مفهوم که دولت پاکستان به‌طور جدی تروریست‌ها را پشتیبانی یا آن‌ها را هدایت نمی‌کند؛ اما هیچ تلاشی را برای عقب‌نشینی و سرکوب ایشان انجام نمی‌دهد.
- (۴) عدم تحرک^۴: یعنی ممکن است دولت پاکستان به دلیل عوامل سیاسی یا ضعف ذاتی قادر به مقابله مؤثر با تروریست‌ها نباشد (Värk, 2006: 187).

ب) ارزیابی مسئولیت احتمالی دولت پاکستان در هدایت و پشتیبانی از تروریست‌ها

به‌موجب قواعد بین‌المللی در صورتی که رابطه بین دولت و تروریست‌ها رسمی باشد - به‌عنوان مثال یک قرارداد بین دولت و گروه‌های تروریستی وجود داشته باشد یا اینکه آن دولت جهت استخدام آن‌ها اقدام به وضع قانون کرده باشد - هیچ مشکلی در مورد انتساب اعمال گروه‌های تروریستی به دولت مدنظر وجود ندارد؛ البته مشروط بر اینکه آن افراد یا اشخاص در این مورد به‌عنوان یک مقام رسمی عمل کنند؛ لذا در صورتی که یک کشور رسماً یک گروه مسلح خصوصی را استخدام کند تا اقدامات تروریستی را علیه سایر کشورها انجام دهد، اثبات مسئولیت آن دولت کار سختی نیست^۵. در واقع احراز مسئولیت یک دولت هنگامی پیچیده می‌شود که از بازیگران غیردولتی استفاده می‌کند که نه کارمند هستند و نه قراردادی بین آن‌ها و دولت منعقد شده

1. Direction
2. Support
3. Toleration
4. Inaction

۴. در این خصوص ماده ۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل اشعار می‌دارد «(۱) رفتار هر ارگان دولتی به‌موجب حقوق بین‌الملل فعل آن دولت تلقی می‌شود، فارغ از آنکه آن ارگان کارکرد تقنینی، قضایی، اجرایی یا کارکرد دیگری داشته باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور در سازمان مذکور چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه ارگان مذکور عضوی از دولت مرکزی باشد یا عضوی از واحد دولت محلی و (۲) ارگان شامل هر شخص یا نهادی می‌باشد که به‌موجب حقوق داخلی دولت، وضعیت مزبور را داشته باشد.»

است، درحالی‌که هم‌چنان به‌صورت غیررسمی به‌عنوان عوامل آن دولت عمل می‌کنند. در این حالت شاخصه‌ای که برای مسئولیت یا عدم مسئولیت آن دولت در نظر گرفته می‌شود، ضابطه «هدایت»^۱ یا «کنترل» آن دولت می‌باشد. این موضوع در ماده ۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تأکید شده که «رفتار یک فرد یا گروهی از افراد، طبق حقوق بین‌الملل، عمل دولت محسوب می‌شود، اگر این فرد یا گروه براساس دستور، هدایت یا کنترل دولت مزبور مرتکب رفتار متخلفانه شوند»^۲.

حال این سؤال مطرح می‌گردد که میزان و درجه کنترلی که توسط دولت‌ها اعمال می‌گردد تا چه حد باید باشد تا منجر به مسئولیت بین‌المللی آن دولت گردد. در این خصوص با توجه به مفاد آرای صادره دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه‌های نیکاراگوئه، نسل‌کشی در بوسنی و قضیه تادیچ در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق که درخصوص ضابطه کنترل، به معیارهای ضابطه کنترل مؤثر و ضابطه کنترل کلی اشاره شد، مباحث مفصلی در آن آراء مطرح گردید و در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ضابطه کنترل مؤثر برای انتساب عمل متخلفانه به دولت در نظر گرفته شد (Cassese, 2007, 653-664). چراکه به‌کارگیری معیار کنترل کلی در این حیطه غیرقابل‌پذیرش است، زیرا اعمال این معیار موجب گسترش حوزه مسئولیت دولت‌ها فراتر از اصول بنیادین حاکم بر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها خواهد شد ازاین‌رو، دیوان بین‌المللی دادگستری هم‌صدا با قواعد حقوق بین‌المللی عرفی که در ماده ۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین شده، معیار کنترل مؤثر را در حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در نظر می‌گیرد (عسگری، ۱۳۸۸: ۱۴۹-۱۶۱). در واقع برای رسیدگی به مسئولیت کیفری افراد، معیار و ضابطه کنترل کلی ملاک عمل قرار می‌گیرد؛ لکن چنانچه رسیدگی به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح باشد و بخواهیم تعیین کنیم که گروهی به‌صورت غیررسمی ارگان یک دولت محسوب می‌شود یا خیر، باید ضابطه کنترل مؤثر^۳ آن دولت بر آن گروه مدنظر قرار گیرد (حلمی، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۵). نتیجه اینکه با اعمال شاخصه کنترل مؤثر درخصوص اقدامات صورت گرفته از ناحیه تروریست‌ها در مرز ایران و پاکستان می‌توان نتیجه

1. Direction

۲. اهمیت این موضوع تا جایی است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اجرای کنوانسیون جلوگیری و مجازات ژنوسید در قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو، این موضع را ازجمله قواعد عرفی حقوق بین‌الملل معرفی می‌کند (Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide 2007:398).

3. Effective Control.

گرفت که این استدلال که دولت پاکستان در واقع اقدامات خاص گروه تروریستی جیش العدل را در گروگان‌گیری و انجام اقدامات ضدامنیتی در مرز مشترک با ایران، هدایت یا کنترل می‌نماید، بسیار دشوار است. البته باید توجه نمود که هرچند وجود کنترل مؤثر از سوی دولت پاکستان بر گروه‌های تروریستی فعال در مرز ایران قابل اثبات نیست؛ لکن به جهت اینکه این دولت در عرصه بین‌المللی یک دولت ناتوان^۱ نیست، لذا لحاظ کردن ترک فعل صورت گرفته به‌عنوان معیاری برای حداقل تسلط بر این گروه‌های تروریستی دور از ذهن نمی‌باشد.

ج) ارزیابی مسئولیت دولت پاکستان به جهت مدارا و عدم تحرک در قبال تروریست‌ها

یکی از ابهامات مطروحه در حقوق بین‌الملل پاسخ به این پرسش است که در صورتی که نتوان مسئولیت دولتی مانند پاکستان را جهت کنترل یا هدایت تروریست‌ها در مناطق مرزی اثبات نمود، می‌توان آن دولت را به جهت اهمال در پیشگیری یا مجازات مجرمین^۲ و نیز عدم مراقبت متعارف یا ترک فعل تعمدی به دلایل سیاسی مسئول دانست؟ به عبارتی اگر دولتی بتواند کنترل خود را بر قلمرو خود انجام دهد، لکن به دلایل سیاسی یا غیرسیاسی با گروه‌های تروریستی مدارا یا در برخی از مواقع آن‌ها را ترغیب کند، می‌توان مسئولیت بین‌المللی آن دولت را اثبات نمود؟^۳

با نگاهی به قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و هم‌چنین رویه بین‌المللی، می‌توان بیان نمود که همین مقدار قصور و اهمال در برخورد با تروریست‌ها و پناه‌دادن به این گروه‌ها می‌تواند ناقض تعدادی از قوانین بین‌المللی عرفی و قطع‌نامه‌های شورای امنیت باشد. به‌عنوان مثال همان‌طور که

1. Failed State.

۲. قوانین و مقررات بین‌المللی تکالیفی را برای دولت‌ها جهت اقدام علیه اعمال مجرمانه و هم‌چنین ایجاد یک سیستم اجرایی مؤثر در زمینه اعمال مجازات نسبت به مجرمان فراهم آورده‌اند. شایان ذکر اینکه با دقت در مفاد کنوانسیون‌ها می‌توان بیان نمود که کشورها از چهار طریق، مجازات متهمین به اعمال تروریستی را تضمین نموده‌اند: «۱) تمام کنوانسیون‌های ضد تروریسم متکی بر اصل «استرداد یا مجازات» می‌باشند؛ ۲) در صورت لزوم کنوانسیون به‌عنوان یک معاهده استرداد مورد استفاده قرار خواهد گرفت؛ ۳) جرائم مندرج در کنوانسیون، جرائم قابل استرداد محسوب خواهند شد و ۴) تمام دولت‌های عضو مکلف به اعمال صلاحیت نسبت به مجرمین هستند؛ حتی اگر تنها مبنای مجازات، حضور متهم در قلمرو دولت عضو باشد؛» لذا اگر یک حکومت از تنبیه و مجازات مجرمین و افرادی که اعمال شرورانه‌ای را در قلمروش مرتکب می‌شوند امتناع ورزد، مسئولیت‌های ناشی از اعمال خطاکارانه را نیز باید بپذیرد (کرم‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۶).

۳. ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌های متفعل در برخورد با تروریست‌ها، پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط رئیس‌جمهور وقت آمریکا مطرح شد مبنی بر اینکه «ایالات متحده بین تروریست‌هایی که این اعمال را انجام داده‌اند و کسانی که به آن‌ها پناهگاه داده‌اند، فرق نمی‌گذارد» (Murdico, 2006: 79).

سابقاً بیان گردید، به موجب رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو، دولت‌ها وظیفه دارند که به طور آگاهانه اجازه ندهند تا از قلمروشان به گونه‌ای استفاده شود که حقوق و امنیت سایر کشورها به خطر افتد (Corfu Channel, 1949: 22). علاوه بر این، اعلامیه روابط دوستانه که همان‌طور که ذکر شد، مفاد آن حاوی قواعد عرفی بین‌المللی است، بیان می‌دارد «دولت موظف است از هرگونه سازمان‌دهی، تحریک، کمک یا مشارکت در اعمال آشوب داخلی یا اقدامات تروریستی در دیگر کشورها و همچنین سکوت در برابر فعالیت‌های سازمان‌یافته مجدد تهدید یا توسل به زور در درون سرزمین‌هایش خودداری نمایند» (Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations, 1970: Annex 1). هم‌چنین قطع‌نامه ۱۳۷۳ دولت‌ها را متعهد نموده که قلمرو تحت صلاحیت‌شان را به پایگاه امن برای سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی، حمایت یا ارتکاب اعمال تروریستی تبدیل ننمایند (United Nations Security Council 1373, 2001: paragraphs 2 (a) 2-(b)). به‌واقع این موارد می‌تواند تلاش جدیدی برای احیای نظریه «مسئولیت نیابتی»^۱ باشد که به کشوری اطلاق می‌شود که آگاهانه، اقدامات ضدامنیتی تروریست‌ها را در قلمرو خود می‌پذیرد (Brown, 2003: 13-15). بنابراین، کشوری که (۱) از یک حمله تروریستی احتمالی علیه یک کشور دیگر آگاه است یا باید آگاه باشد؛ (۲) قادر به جلوگیری از حمله است اما از انجام این کار غفلت می‌کند و (۳) از هشدار دادن به دولت‌های دیگر قصور می‌نماید، مسئول اقدامات انجام‌شده از ناحیه گروه تروریستی می‌باشد؛^۲ بنابراین هرگونه حمایت دولت‌ها و از جمله دولت پاکستان از اقدامات تروریستی حتی به صورت اغماض یا اهمال و ... ممنوع است و موجبات مسئولیت بین‌المللی ایشان را فراهم می‌آورد (زرنشان، ۱۳۸۶: ۸۳). باید توجه داشت که به موجب ماده ۱۱ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در صورتی که عمل خلاف تعهدات یک دولت قابل انتساب به آن دولت نباشد، لکن دولت مزبور آن رفتار را تأیید نموده و آن را هم‌چون رفتار خویش تلقی کند، آن عمل متخلفانه، فعل دولت تلقی می‌گردد. واقعیت این

1. Vicarious responsibility

۲. برخی از اندیشمندان حقوق بین‌الملل مانند اوپنهایم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را به دو دسته تقسیم می‌نمایند؛ مسئولیت مستقیم و مسئولیت غیرمستقیم. مسئولیت مستقیم یا اصلی مسئولیتی است که در نتیجه فعل یا ترک فعل دولت ایجاد می‌شود در حالی که مسئولیت غیرمستقیم در نتیجه اقدامات غیرمجاز انجام‌شده توسط اتباع یا بیگانگان ساکن در قلمرو آن دولت انجام می‌شود (Tantia, 2012: 2).

است که در مورد حاضر این قاعده نیز قابل اعمال در خصوص دولت پاکستان نیست؛ چراکه بعد از گروگان‌گیری‌های صورت گرفته توسط گروه تروریستی جیش‌العدل دولت پاکستان، نه تنها آن را تأیید ننمود بلکه آن اعمال را نیز بارها محکوم کرده است.

گفتنی است با نگاهی به نظرات مراجع بین‌المللی نیز محرز می‌گردد که این مراجع شرط عدم انتساب یک عمل متخلفانه از سوی بازیگران غیردولتی را به یک دولت در موارد بسیار غیرقابل کنترل تر از موارد مطرح شده، مشروط به عدم قصور یا کوتاهی نکردن و هم‌چنین اتخاذ مراقبت‌های متعارف نموده‌اند. به‌عنوان مثال در قضیه *solis*، کمیسیونر بیلسن بیان داشت: «هیچ دولتی مسئول رفتارهای گروه‌های شورشی که با نقص اقتدار آن دولت ارتکاب یافته است، نخواهد بود در صورتی که خود آن دولت حسن نیت را نقص نکرده و در مجازات شورشیان قصور و کوتاهی نکرده باشد» (Crawford, 2002: 116). هم‌چنین کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با عدم مسئولیت دولت در نتیجه اقداماتی که شورشیان شکست‌خورده انجام داده‌اند، بیان می‌دارد نمی‌توان دولت را مسئول اعمال گروه شورشی دانست که هنگام انقلاب علیه دولت قانونی انجام می‌شود؛ مگر ارگان‌های آن در وضعیتی باشند که بتوانند اقدامات پیشگیرانه و جزایی مناسبی به‌عمل آورند، ولی در این کار قصور ورزند. کمیسیون حقوق بین‌الملل در این مورد رویه دولت بریتانیا را یادآور می‌شود که توسط لرد مک‌نیر در اولین اصل از اصول پنج‌گانه، بیان شد. در این بند آمده است «دولتی که در سرزمین آن شورش واقع می‌شود، مسئول تلف یا خسارت وارده بر خارجیان نیست مگر اینکه اهمال نموده باشد» (Yearbook of the International Law Commission, 1963: 96). هم‌چنین دولت‌هایی در خصوص وقوع عمل متخلفانه‌ای در سرزمین خود مسئول می‌باشند که مراقبت‌های متعارف را به‌عمل نیاورده باشند؛ لذا در صورتی که مقامات رسمی دولتی مراقبت متعارف را انجام ندهند و به‌واسطه این قصور، فعل متخلفانه‌ای ارتکاب یابد، در این حالت نیز مسئولیت دولت کاملاً محرز است. این موضوع در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اعضای دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران مورد تأکید دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت به‌طوری که دیوان در رأی خود بیان داشت متقاعد شده است که در جریان اشغال سفارت در تاریخ‌های ۴ و ۵ نوامبر ۱۹۷۹، دولت ایران اقدامات متقاضی به‌منظور حمایت از محل سفارت و سرکنسولگری‌های امریکا، کارکنان و آرشیبو آن‌ها را در مقابل حملات مبارزان اتخاذ نکرده است. (United States Diplomatic and

(Consular Staff in Tehran, 1980:117-125). هم‌چنین در خصوص مسئولیت بین‌المللی یک کشور به جهت مراقبت‌های متعارف، دیوان آمریکایی حقوق بشر در قضیه رودریگز بیان داشت: «هندوراس مسئول خسارات وارده بر بیگانگان از سوی افراد خصوصی است به این دلیل که تلاش معقول و مراقبت کافی از آن‌ها را به‌عمل نیاورده است هرچند افراد خصوصی ارتباطی با دولت نداشته‌اند» (Velásquez-Rodríguez Case, 1988: para174-188)؛ لذا با توجه به موارد مزبور مسئولیت دولت در این موارد نه از حیث انتساب اعمال اشخاص خصوصی عامل خسارت می‌باشد، بلکه از جهت عدم قاطعیت دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی که تعهدات بین‌المللی خود را جدی نگرفته‌اند، تحقق می‌یابد (Bokstiegel, 2006: 289).

به‌موجب این استدلال تنها در صورتی می‌توانیم نتیجه بگیریم که دولت پاکستان مسئول فعالیت‌های گروه‌های تروریستی است که دولت پاکستان از حملات تروریستی به مرز ایران آگاه بوده، هم‌چنین قادر به جلوگیری از حمله بوده است؛ لکن از انجام این کار غفلت نموده و نیز از هشدار دادن به ایران جهت پیشگیری از عمل تروریستی قصور ورزیده باشد.

نتیجه‌گیری

در عرصه بین‌المللی یک قاعده سنتی وجود دارد که رفتار بازیگران غیردولتی معمولاً قابل انتساب به آن دولت نیست. لکن در عصر حاضر قوانین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به تدریج به سمت پاسخگونموندن دولت‌ها در قبال رفتار بازیگران غیردولتی که اقدام به انجام اعمال تروریستی علیه کشوری از خاک آن دولت می‌نمایند، نموده است؛ بالأخص در مواقعی که دولتی توانایی جلوگیری از اقدامات تروریستی را دارد؛ لکن از انجام این تکلیف قصور می‌ورزد در این صورت است که می‌توان بیان داشت آن دولت مسئولیت آن عمل را به‌عهده گرفته است (Becker, 2006:3). اعلامیه روابط دوستانه، آرای متعدد دیوان بین‌المللی دادگستری و قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل، همگی تکالیفی را برای تمام دولت‌ها در جهت محافظت از مرزها و نیز ممانعت از ایجاد پایگاهی امن جهت انجام اقدامات تروریستی علیه کشورهای دیگر ایجاد نموده‌اند. آنچه مسلم است با توجه به اقدامات تروریستی که در مرز ایران و پاکستان در دهه‌های اخیر از سوی گروه‌هایی مانند جندالله، جیش العدل، جیش الفتاح و ... انجام شده است و منجر به شهادت تعداد

بسیاری از شهروندان و نیروهای مسلح و هم‌چنین گروگان‌گیری تعدادی از مرزبانان شده است، می‌توانیم استدلال نماییم که دولت پاکستان تعهدات بین‌المللی خود را در محافظت از مرزها و ممانعت از انجام اقدامات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران نقض نموده است. البته با عنایت به اینکه به‌موجب اصول حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها - بالأخص ماده ۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل - احراز نقض یک تعهد بین‌المللی به‌تنهایی و بدون انتساب آن نقض به دولت، نمی‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی آن دولت شود؛ لذا درخصوص انتساب این نقض تعهدات به دولت پاکستان می‌توانیم بیان نماییم اثبات این ادعا که دولت پاکستان اقدامات خاص گروه‌های تروریستی مانند جیش العدل را «هدایت» یا «کنترل» می‌نماید، بسیار دشوار است چراکه احراز شاخصه «کنترل مؤثر» از سوی دولت پاکستان برای اثبات هدایت و کنترل این گروه‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. البته این عدم انتساب «هدایت» و «کنترل» گروه‌های تروریستی در مرز ایران از سوی دولت پاکستان به‌معنای عدم مسئولیت مطلق آن دولت در اعمال گروه‌های تروریستی نمی‌باشد چراکه در صورتی که محرز گردد دولت پاکستان از حملات تروریستی به مرز ایران آگاه بوده و قادر به جلوگیری از حمله بوده است، لکن از انجام این کار غفلت نموده و نیز از هشداردادن به ایران جهت پیشگیری از عمل تروریستی قصور ورزیده است، می‌توانیم نتیجه بگیریم دولت پاکستان مسئولیت فعالیت‌های گروه‌های تروریستی را برعهده گرفته است. البته بدیهی است چنانچه اثبات گردد دولت پاکستان تمام اقدامات مناسب را علیه تهدیدات تروریستی ناشی از سرزمین خود انجام داده و با این وجود تروریست‌ها هنوز هم موفق به انجام اقدامات تروریستی علیه ایران می‌گردند، در این صورت مسئولیتی متوجه دولت پاکستان نخواهد بود؛ هرچند به اعتقاد برخی سیاسیون، این ترک فعل عمدی است و دولت پاکستان می‌توانسته در ارتباط با دستگیری و استرداد تروریست‌هایی که از قلمرو تحت صلاحیت این کشور ضد منافع ملی ایران دست به اقدامات تروریستی می‌زنند، همکاری و تشریک‌مساعی مؤثرتر و بهتری نماید.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. <https://www.irna.ir/news/83219268/>
۲. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۹)، مسئولیت بین‌المللی دولت، شهر دانش، چاپ دوم.
۳. اسدی‌فرد، محمد (۱۳۹۳)، بررسی مؤلفه‌های ناامنی در مناطق مرزی شرق کشور، فصل‌نامه علوم و فنون مرزی، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۱.
۴. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ میرزاده‌کوهستانی، مهدی (۱۳۹۳)، تبیین عوامل مؤثر در بحران‌زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان، جغرافیا و توسعه، پاییز ۱۳۹۳، دوره ۱۲، شماره ۳۶.
۵. توسلی‌نائینی، منوچهر؛ محسن‌پور، سمیرا (۱۳۹۳)، بررسی سیر تحول توسل به زور علیه تروریسم بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌الملل، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، پاییز ۹۳، شماره سوم.
۶. حلمی، نصرت‌الله (۱۳۸۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، نشر میزان، چاپ اول.
۷. خبرگزاری ایران‌پرس، <https://farsi.iranpress.com/iran-i161049>
۸. خبرگزاری تسنیم، ۲۷ بهمن ۱۳۹۷، <https://www.tasnimnews.com/fa/news>
۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۴ اسفند ۱۳۹۷.
۱۰. زرنشان، شهرام (۱۳۸۶)، شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره سی و ششم.
۱۱. سواری، حسن (۱۳۸۲)، مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل خطرات و فرصت‌ها، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹.
۱۲. سوی، اریک (۱۳۷۵)، ترجمه امین مختاری، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴.
۱۳. عسگری، پوریا (۱۳۸۸)، مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و ششم، شماره ۴۰.
۱۴. کریم‌زاده، سیامک (۱۳۸۱)، کنوانسیون‌های ضدتروریسم و مسأله صلاحیت دولت‌ها در تعقیب و مجازات متهمان به ارتکاب اعمال تروریستی، مجله‌نامه مفید، شماره ۳۳.
۱۵. منتظران، جاوید (۱۳۹۷)، مقابله و کنترل تروریست‌های تجزیه‌طلب ایران از منظر حقوق بین‌المللی، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، <http://www.css.ir/fa/content/113586>

منابع لاتین:

16. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (2007), Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, Judgment of 27 February 2007
17. Becker T. (2006), Terrorism and the State Rethinking the Rules of State Responsibility, Oxford, Hart Publishing.
18. Bokstiegel, K. H. (2006), State Responsibility under the ECT and Other Investment Protection Treaties, Investment, Arbitration and the Energy Charter Treaty, London, JurisNet, LLC
19. Border management, Security Council Counter-Terrorism Committee (CTC)
20. Brown D. (2003), Use of Force against Terrorism after September 11th: State Responsibility, Self-defense and Other Responses, Cardozo Journal of International and Comparative Law, vol 11.
21. Brownlie, I. (1983), System of the Law of Nation State Responsibility, Oxford Clarendon Press.
22. Cassese, Antonio. (2007) The Nicaragua and Tadić Tests Revisited in Light of the ICJ Judgment on Genocide in Bosnia, European Journal of International Law, Volume 18, Issue 4, September 2007.
23. Congo v. Uganda (2005), Armed Activities on the Territory of the Congo, Democratic Republic, Judgment, International Court of Justice.
24. Corfu Channel, United Kingdom v. Albania, (1949), Merits, Judgment, International Court of Justice.
25. Crawford, James (2002), The International Law Commission's Articles on State Responsibility: Introduction, Text and Commentaries, Cambridge University Press.
26. Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations (1970), GA Res 2625 (XXV), 25th sess, 1883rd mtg, UN Doc A/Res/2625, 24 October 1970.
27. Donnel, Daniel (2006), International treaties against terrorism and the use of terrorism during armed conflict and by armed forces, International Review of the Red Cross, Volume 88, December 2006, Number 864.
28. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001), UN Doc A/56/10.
29. Gareth, Williams D (2013), Piercing the shield of sovereignty: an assessment of the legal status of the unwilling or unable test, UNSW Law Journal, Vol 36
30. General Assembly resolution, 51/210 of 17 December (1996).
31. German Settlers in Poland (1923), Advisory Opinion, PCIJ Series B, No 6
32. Heinegg, Wolff Heintschel von (2012), Legal Implications of Territorial Sovereignty in Cyberspace, 2012 4th International Conference on Cyber Conflict. NATO CCD COE Publications.
33. international law of the unilateral declaration of independence in respect of Kosovo (2010), 22 July International Court of Justice
34. Island of Palmas Case (1928), Scott, Hague Court Reports, Perm. Ct. Arb. 1928, Netherlands, USA, 4 April 1928.
35. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (1986), Nicaragua v. United States of America, Merits, Judgment, International Court of Justice
36. Murdico, Suzanne (2006), Osama bin Laden, The Rosen Publishing Group
37. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (2008) Human Rights, Terrorism and Counter-terrorism, Fact Sheet No. 32.

38. phosphates in morocco, decision of the Permanent Court of International Justice (PCIJ), Judgment ,Italy v. France ,14 June 1938.
39. Tania, Aaditya(2012), Responsibility of the State Universal perspective, International Journal of Law and Legal Jurisprudence Studies :ISSN:2348-8212: Volume 2 Issue 4 ,pp1-8
40. Thürer, Daniel.(2010), The failed State and international law, International Review of the Red Cross No. 836.
41. Trail smelter case(1941) ,United States, Canada, 11 March 1941, VOLUME III ,pp. 1905-1982
42. United Nations Security Council, S/RES/1624 (2005)
43. United Nations Security Council, S/RES/1373 (2001)
44. United Nations Security Council, S/RES/1566 (2004)
45. United Nations Security Council, S/RES/2178 (2014)
46. United Nations Security Council, S/RES/2396 (2017)
47. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran(1980), Judgment, International Court of Justice 24 May 1980
48. Värk, René (2006),State Responsibilityfor Private Armed Groupsin the Context of Terrorism, Juridica International, Vol. XI .
49. Velásquez-Rodriguez Case(1988), Inter-Am. C.H.R., ser. C, No. 4, July 29
50. Yearbook of the International Law Commission (1963), vol IV .